

تعیین‌کننده‌های بُعد خانوار در شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۰

۱ فاطمه ترابی
۲ محمد میرزایی
۳ محمد حدادی

چکیده

الگوهای زناشویی، میزان باروری، مرگ‌ومیر، طلاق، بیوگی، مهاجرت و نوع خانواده بر تغییرات بُعد خانوار تأثیرگذارند. هدف اصلی این مقاله مشخص کردن سهم تعیین‌کننده‌های بلافصل و زمینه‌ای بُعد خانوار در شهرستان‌های ایران می‌باشد. این پژوهش از نوع مطالعه تحلیل ثانویه، که با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ انجام گرفته است. واحد تحلیل در این مطالعه، شهرستان است. از منظر میانگین بُعد خانوار، در بین شهرستان‌های کشور تفاوت قابل توجهی وجود دارد؛ به طوری که عدد آن از ۶/۶ نفر در شهرستان کنگان تا ۲/۹ نفر در شهرستان طالقان متغیر است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که کاهش باروری یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش بُعد خانوار است. بُعد خانوار، رابطه‌ی مستقیمی با میزان باروری، میانگین سن ازدواج و بیکاری دارد. از سوی دیگر، رابطه‌ی معکوسی با

۱ استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، fatemeh_torabi@ut.ac.ir

۲ استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، mmirzaie@ut.ac.ir

۳ کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، Haddadi1741@ut.ac.ir

شاخص‌های مدرنیزاسیون و میزان اشتغال زنان دارد. باروری بیشترین تاثیر مثبت ($\beta = 0/61$) و مدرنیزاسیون بیشترین تاثیر معکوس ($\beta = 0/41$) را بر بعد خانوار دارند. مطالعات آینده می‌توانند نقش سایر عوامل مانند تغییر در ترتیبات زندگی و فردگرایی را در تغییرات بعد خانوار مورد بررسی قرار دهند.

واژگان کلیدی

بعد خانوار، باروری، میانگین سن ازدواج، تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای، مدرنیزاسیون

مقدمه و بیان مسأله

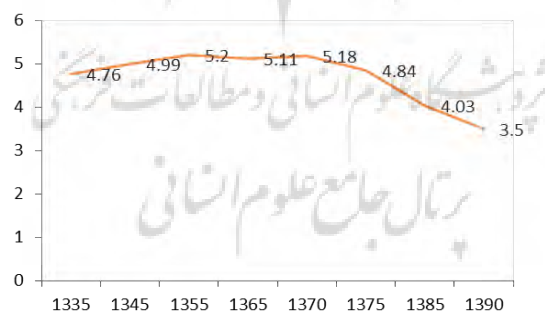
خانواده و خانوار در طول تاریخ روند ثابتی را دنبال نکرده و متأثر از تحولات جامعه دگرگونی‌های زیادی را تجربه کرده‌اند. مهم‌ترین این تحولات از دیدگاه مارکس براساس رشد فناوری تعریف می‌گردند (استونز^۱ ۱۳۷۹)، به تعبیر یکی از جامعه‌شناسان مهم‌ترین این شامل مراحل:

(۱) انقلاب کشاورزی که به اسکان و تشکیل جوامع دوران کشاورزی منجر شد و دوره‌ی پیشامدرن یا دوره‌ی پیش از گذار را به وجود آورد. (۲) انقلاب صنعتی که به صنعتی شدن و شهرنشینی انجامید و دوره مدرن یا گذار را به وجود آورد. (۳) انقلاب الکترونیکی اواخر قرن بیستم که به تعبیر بعضی، دوره‌ی پسامدرن یا پس از گذار را به وجود آورد. در هر یک از این دوره‌ها نوع خاصی از خانواده با ساختار و کارکردهای معین که مناسب سطح فناوری و نوع معیشت آن دوره است، برجسته می‌شود. بنابراین در دوره‌ی کشاورزی خانواده‌ی گسترده، در دوره‌ی گذار صنعتی، خانواده‌ی هسته‌ای تکمیلی و در دوره‌ی پسامدرن خانواده‌ی هسته‌ای مشارکتی برجستگی بیشتری دارد (سرایبی، ۱۳۸۵).

یکی از مهم‌ترین تغییرات در دهه‌های اخیر، میانگین سن در اولین ازدواج در ایران می‌باشد که به صورت قابل توجهی، خصوصاً در میان دختران افزایش یافته است. به طوری که بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ سن اولین ازدواج در بین زنان از ۱۸/۳ به ۲۳/۴ سال تغییر یافته است. این رقم در بین مردان از ۲۴/۹ به ۲۶/۷ سال تغییر یافته است (ترابی و عسکری‌ندوشن ۱۳۹۱).

به طبع این تغییرات رفتار باروری نیز تغییر نموده است و کاهش اساسی را شاهد بوده است. باروری از ۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۰ به ۱/۹ در سال ۱۳۸۵ و ۱/۸ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (عباسی‌شوازی و مک‌دونالد^۱ ۲۰۰۶؛ عباسی‌شوازی و حسینی‌چاوشی^۲ ۱۳۹۲). تغییرات در سطح خانوار نسبت به تغییرات فردی شدیدتر بوده است؛ ازدواج‌های خویشاوندی نسبتاً ثابت باقی مانده و علی‌رغم مقاومت‌هایی که در مقابل عمل طلاق وجود دارد، میزان طلاق افزایش قابل‌توجهی داشته است و از ۶۳٪ در هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱/۹ در هزار نفر در سال نود رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۷۹-۱۳۹۰).

آگاهی ما از ابعاد خانوار در ایران به زمان اولین سرشماری در کشور یعنی ۱۳۳۵ بازمی‌گردد. بر اساس سرشماری‌های ۷ دهه‌ی اخیر با روند نزولی بعد خانوار رو به رو هستیم. به‌طوری‌که از حدود ۵ عضو در سال ۱۳۳۵ به کمتر از ۳/۵ عضو در سال ۱۳۹۰ رسیده است (نمودار ۱). عمده کاهش میانگین بعد خانوار از سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ اتفاق افتاده است، و از ۵/۲ به ۳/۵ رسیده است. میانگین بعد خانوار از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ در مناطق شهری از ۴/۹ به ۳/۵ و در مناطق روستایی از ۵/۵ به ۳/۷ کاهش یافته است، که تقریباً یک کاهش ۳۰ درصدی را نشان می‌دهد (آقاجانیان و تامپسون^۳ ۲۰۱۳). اگرچه میانگین بعد خانوار در تمام شهرستان‌های ایران روندی کاهشی داشته است. اما مقدار آن در میان شهرستان‌ها متفاوت بوده است.



نمودار ۱: میانگین بعد خانوار در ایران، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

منبع: برگرفته از مرکز آمار ایران ۱۳۳۵-۱۳۹۰

1 Abbasi-shavazi and McDonald
 2 Abbasi-shavazi and Hosseini Chavoshi
 4 Aghajanian, Thompson

علیرغم این‌که مباحث مربوط به بعد و ترکیب خانوار یکی از موضوعات مهم جمعیت‌شناختی است؛ با این حال در ایران مطالعه گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. مطالعه حاضر، در پی برطرف نمودن این شکاف در مطالعات جمعیت‌شناختی است. با توجه به وجود شکاف‌های بین شهرستانی در بعد خانوار و از سوی دیگر کاهش سریع بعد خانوار در ایران، این بررسی در پی آن است تا عوامل تعیین‌کننده بلافصل و زمینه‌ای بعد خانوار را مورد بررسی قرار دهد. تعیین مقدار تأثیر عوامل بلافصل (یا همان تعیین‌کننده‌های جمعیت‌شناختی از جمله شاخص‌های باروری، میانگین سن ازدواج، و طلاق) و همچنین عوامل زمینه‌ای (یا همان عوامل اجتماعی و اقتصادی) از اهم اهداف این تحقیق به شمار می‌رود. در مباحث جمعیت‌شناختی معاصر توجه از فرد به سوی ترتیبات زندگی، خانواده و خانوار تغییر کرده است. در این بین توجه به عوامل تعیین‌کننده آن می‌تواند مبنای تحقیقات آتی باشد. بنابراین، فهم تعیین‌کننده‌های تغییرات بعد خانوار می‌تواند قدمی اساسی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی باشد.

پیشینه‌ی تجربی و نظری

هر متغیری در مباحث جمعیت‌شناختی تحت تأثیر چندین متغیر دیگر تعیین و تعریف می‌گردد. بعد خانوار همانند سایر متغیرهای جمعیتی تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی و جمعیتی است. تغییرات در جامعه و تغییرات ساختاری در اقتصاد از طریق متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند: سن ازدواج، الگوهای زناشویی، باروری، مرگ‌ومیر، طلاق، بیوگی، مهاجرت و فرزندخواندگی بر بعد خانوار تأثیر می‌گذارند (دونالد و مک‌دونالد^۱ ۱۹۹۴؛ بونگارت^۲ ۱۹۸۳؛ جیانگ و اونیل^۳ ۲۰۰۷). البته تمام متغیرها لزوماً در تمام جوامع و همه زمان‌ها تأثیر یکسانی ندارند و با توجه به نوع جامعه و زمان تحقیق ممکن است متغیرهای خاصی در تعیین اندازه و بعد خانوار تأثیرگذار باشند (بونگارت ۱۹۸۳).

یکی از عوامل اصلی که در فرایند گذار خانوار نقشی اساسی ایفا می‌نماید، فرایند مدرنیزاسیون است. مدرنیزاسیون که با فاکتورهایی مانند: صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات

1 Donald and McDonald

2 Bongaarts

3Jiang and O'Neill

مشخص می‌گردد، از طریق تغییرات فرهنگی موجب تغییر در ساختار و کارکردهای خانواده می‌گردد. شکل شهری جامعه مدرن در تعریف جامعه‌شناختی آن به جایگزین شدن نیازهای ثانویه به جای نیازهای اولیه و ضعیف شدن بنیان‌های خویشاوندی و ملازم با آن کاهش اهمیت خانواده، از بین رفتن مفهوم همسایگی و درنهایت ضعیف شدن پیوستگی مکانیکی و جایگزین شدن پیوستگی ارگانیکی را در بردارد (مدجاک^۱؛ ورث^۲؛ برنارد و سیمونس^۳؛ پارسونز و بالیز^۴؛ سرایی^۵؛ ۱۳۸۷؛ گود^۶؛ ۱۹۶۳).

اخیراً مطالعاتی توسط زینگ و همکارانش^۶ (۲۰۰۶)، با استفاده از "مدل‌های پیش‌بینی خانوارهای گسترده"^۷ صورت گرفته است که در آن سه سناریو برای تغییرات خانوار در آینده توسعه داده‌اند. در مطالعه مذکور، پیش‌فرض‌هایی در رابطه با آینده باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت بین‌المللی، نرخ تشکیل و انحلال ازدواج با استفاده از داده‌های سرشماری ۲۰۰۰ صورت گرفته است.

تلاش‌های دیگری نیز در جهت ساختن سناریوهایی برای پیش‌بینی دقیق‌تر ترکیب جمعیتی از منظر بعد و ساختار سنی خانوار در ایالات متحده امریکا طراحی شده است؛ جیانگ و اونیل^۸ (۲۰۰۷) در این سناریوها سعی در استفاده از پیش‌فرض‌های گسترده‌تری نمودند و از عواملی مانند باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت که تعداد جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، استفاده کرده‌اند. همچنین عوامل موثری مانند: طلاق، همخانگی، سن ترک خانه، سن ازدواج و گرایش افراد بزرگسال به زندگی با فرزندان که در شکل‌گیری و انحلال خانوار نقش دارند را در سناریوهای خود مورد توجه قرار داده‌اند. البته در بررسی نهایی بر روی باروری، مرگ‌ومیر، مهاجرت و نرخ‌های ازدواج و طلاق تمرکز کرده و بقیه عوامل حذف شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کاهش بعد خانوار، کاهش باروری است (برادبری و همکاران^۹؛ ۲۰۱۴؛ کوزنتس^۱؛ ۱۹۷۸؛ بونگارت، ۲۰۰۱؛ دونالد و مک‌دونالد ۱۹۹۴؛ بونگارت ۱۹۸۳؛

1 Medjuck

2 Wirth

3 Bernard C. Rosen and Alan B. Simmons Source

4 Talcott & Bales

5 Goode

6 Zeng, et al

7 Profamy

8 Jiang, Leiwen; O'Neill, Brian C

9 Bradbury, Mason; Peterson, M. Nils; Liu, Jianguo

جیانگ و اونیل ۲۰۰۷؛ زینگ و همکارانش ۲۰۰۶)، کوزنتس (۱۹۷۸)، کاهش فراگیر باروری در اروپا و آمریکای شمالی در خلال قرون گذشته را یکی از عوامل اصلی کاهش بعد خانوار می‌داند. باروری یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر بعد خانوار است و کاهش یا افزایش آن بعد خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند این رابطه بین باروری و بعد خانوار آن چنان که به نظر می‌رسد، مستقیم نیست، چراکه تنها سطح باروری فعلی مدنظر نیست و فرزندان که به سال‌های قبل از سرشماری مربوط هستند، نیز در نظر گرفته می‌شوند. از سوی دیگر، تنها فرزندان زنده در بعد خانوار تأثیر می‌گذارند؛ در نتیجه، باید مرگ‌ومیر کودکان نیز مورد توجه قرار گیرد؛ و نکته قابل توجه اینکه، تمام فرزندان به دنیا آمده در خانوار باقی نمی‌مانند (بونگارت ۲۰۰۱).

برخی از نظریه‌پردازان در پی آن بودند که تغییرات باروری را به نیروهای اقتصادی - اجتماعی مدرن نسبت دهند. به عنوان مثال، بر مبنای تئوری گذار جمعیتی کشورها در حرکت به سوی توسعه اقتصادی - اجتماعی و مدرنیزاسیون گذار جمعیتی را تجربه نمودند (لستهاق^۲ ۱۹۹۵). بر مبنای این نظریه، در پروسه‌ی مدرنیزاسیون، تغییرات اقتصادی و اجتماعی مهمی از جمله کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی، گسترش تحصیلات و افزایش عقلانیت و افکار منطقی، تغییرات مربوط به فواید و هزینه‌های فرزندان و ظهور نقش‌های جدید اقتصادی برای زنان که هماهنگ با فرزندآوری نیستند، صورت می‌گیرد (عباسی‌شوازی و حسینی‌چاوشی ۱۳:۱۳۹۲)، این تغییرات نقش قابل توجهی در کاهش باروری و در نتیجه کاهش بعد خانوار ایفا می‌نمایند.

تحقیقات نشان دهنده این مسأله هستند که طلاق علاوه بر تأثیرات اقتصادی و اجتماعی، به عنوان یک متغیر بلافصل، بعد خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کوبرین^۳ ۱۹۷۳). خانوارهایی که سرپرستان آنها طلاق گرفته‌اند، ۴۰-۲۷ درصد کوچکتر از خانوارهای معمولی هستند (۱۲ کشور در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۸)، (یو و لیو^۴ ۲۰۰۷). میزان طلاق در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر است. از این رو قسمت اعظم طلاق‌ها در ایران در مناطق شهری از جمله شهرهای بزرگ مانند تهران اتفاق می‌افتد. این تفاوت بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا به نوعی تفاوت‌های موجود در زندگی و فرهنگ شهری و روستایی را به تصویر می‌کشد. به نظر می‌رسد

1 kuznets

2 lesthaeghe

3 Kobrin

4 Yu, Eunice; Liu, Jianguo

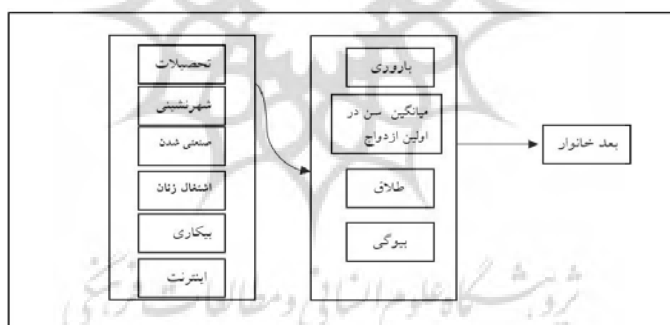
در جامعه ایران برچسب ننگ طلاق در حال رنگ باختن است؛ به ویژه برای زنان نگرانی قضاوت خویشاوندان و دوستان و از دست رفتن آبروی خانوادگی اهمیت پیشین خود را از دست داده است. در هر صورت، طلاق می‌تواند با گسست خانوار، موجبات کاهش بُعد خانوار را فراهم نماید.

سن ازدواج از دیگر عوامل بلافصلی است که بعد خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به این صورت که با افزایش سن ازدواج، طول مدت اقامت افراد بزرگسال با والدین بیشتر شده و بعد خانوار افزایش می‌یابد (بونگارت، ۲۰۰۱). در سال‌های اخیر میانگین سن ازدواج در ایران افزایش یافته است. در بررسی پیشینه‌ی تحقیق عواملی که باعث این تغییرات شده‌اند، عبارت‌اند از: افزایش پوشش تحصیلی در دوره متوسطه و دانشگاه به ویژه در مورد زنان، افزایش میزان آگاهی‌های عمومی در زمینه‌ی عواقب و پیامدهای ازدواج زودرس، گسترش مراکز آموزش عالی و فراهم نمودن امکانات استفاده از تسهیلات آموزشی حتی در مناطق محروم، عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار و بالا رفتن میزان بیکاری به ویژه در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی، افزایش آگاهی و حساسیت بیشتر به مسائل و مشکلات زندگی زناشویی، افزایش سطح انتظارات، افزایش اشتغال زنان، تغییر انتظارات اقتصادی و اجتماعی جوانان در مورد ازدواج در نتیجه‌ی نوسازی، شهرنشینی و افزایش تحصیلات را می‌توان نام برد (ترابی و همکاران^۱ ۲۰۱۲؛ میرزایی، ۱۳۸۱: ۸۱).

مرگ‌ومیر از جمله عواملی است که بونگارت (۲۰۰۱)، از آن به عنوان تعیین‌کننده‌های بُعد خانوار نام می‌برد. با کاهش مرگ و میر و به طبع آن افزایش امید زندگی تعداد افراد سالمند افزایش یافته است. از سویی دیگر، با تغییر در ترتیبات زندگی و گرایش افراد سالمند به زندگی در قالب خانوارهای تک‌نفره، خانوارهای چند نسلی کاهش یافته است. این امر موجبات کاهش بُعد خانوار را فراهم آورده است (کوزنتس ۱۹۷۸؛ برادبری و همکاران^۲ ۲۰۱۴). همچنین باید به این نکته اشاره کرد که یکی از بعدهایی که مرگ‌ومیر بزرگسالان از عوامل اصلی تعیین‌کننده‌ی آن است؛ بحث‌های مربوط به بیوگی است (چوان و کورسن^۳ ۱۹۷۲، ۱۹۷۵). از سویی دیگر مرگ‌ومیر کودکان نیز می‌تواند تعداد افراد خانوار را تحت تأثیر قرار دهد (آقاجانیان و تامپسون ۲۰۱۳).

1 Torabi, et al
2 Bradbury, et al
3 Chevan and Korson

بیوگی و طلاق در صورتی می‌توانند موجبات کاهش بعد خانوار را فراهم آورند که با یک فردگرایی و میل به تنها زیستن توامان باشند. با این وجود، فردگرایی که یکی از پیش‌فرض‌های گذار دوم جمعیتی است، در مطالعه‌ی تعیین‌کننده‌های بعد خانوار، نادیده گرفته شده است. مطالعات کوربین^۱ (۱۹۷۶) با استفاده از توزیع بعد خانوار در داده‌های سرشماری‌های ۱۹۷۰-۱۷۹۰ آمریکا و تجزیه و تحلیل ترکیب تغییرات جمعیت‌شناختی در این دوره مرتبط است. در دهنده‌ی این مسأله بود که بعد خانوار با تغییرات جمعیت‌شناختی در این دوره مرتبط است. در اینجا نکته حائز اهمیت این است که؛ اثر کاهش مرگ‌ومیر و باروری تا زمانی که فردگرایی افزایش یابد، بسیار مبهم به نظر می‌رسد. افزایش فردگرایی، موجب تشکیل خانوارهای تک نفره می‌گردد؛ این امر در کاهش بعد خانوار موثر است. در همین راستا، مطالعات انجام شده در ایران نشان دهنده این امر است که؛ تنها زیستن خصوصاً در بین سالمندان در حال افزایش است (ترابی، عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن^۲ ۲۰۱۵).



شکل ۱: مدل نظری عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر بعد خانوار در این مطالعه

همان‌گونه که در مدل نظری (شکل ۱) مشاهده می‌شود؛ به طور کلی، با توجه به ادبیات نظری و تجربی مورد اشاره در فوق، مقاله حاضر به بررسی فرضیه‌هایی در خصوص ارتباط بعد خانوار با عوامل و تعیین‌کننده‌هایی نظیر: باروری، میانگین سن ازدواج، درصد افراد مطلقه، درصد افراد بیوه، سطح تحصیلات، شهرنشینی، ضریب نفوذ اینترنت، وضعیت بیکاری، میزان اشتغال زنان و صنعتی شدن خواهد پرداخت.

1 Kobrin

2 Torabi; Abbasi-Shavazi; Askari-Nodoushan

روش تحقیق

این پژوهش یک مطالعه تحلیل ثانویه است که با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ انجام گرفته است. واحد تحلیل در این مطالعه، شهرستان بوده و تفاوت‌های بعد خانوار با توجه به تعیین‌کننده‌های آن در سطح شهرستان (۳۹۶ شهرستان) مدنظر قرار گرفته‌اند. همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تعیین‌کننده‌های میانگین بعد خانوار در دو سطح عوامل بلافصل و عوامل زمینه‌ای مشخص می‌شوند. عوامل بلافصل شامل؛ میانگین باروری در ۱۵ سال گذشته^۱، سن ازدواج، طلاق و بیوگی؛ که تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی مانند میزان تحصیلات، ضریب شهرنشینی، استفاده از اینترنت، میزان اشتغال زنان و درصد شاغلین در بخش‌های صنعت و خدمات قرار می‌گیرند. متغیر وابسته در این مطالعه، میانگین بعد خانوار می‌باشد.

جدول ۱: متغیرهای تحقیق و تعاریف عملیاتی آنها

وابسته	متغیر
میانگین بعد خانوار: میانگین تعداد افراد در خانوار حاصل تقسیم تعداد جمعیت بر تعداد کل خانوار	بلافصل
میانگین باروری در ۱۵ سال گذشته: به روش فرزندان خود محاسبه شده است (عباسی شوازی و حسینی چاوشی ۱۳۹۲)	
میانگین سن در اولین ازدواج: با روش هاینل محاسبه شده است	
طلاق: درصد افراد طلاق گرفته به تفکیک زن و مرد که از طریق تقسیم افراد طلاق گرفته که در سرشماری ۱۳۹۰، بر کل افراد حداقل یک بار ازدواج کرده در میانه سال حاصل شده است.	
بیوگی: از تقسیم افرادی که به دلیل مرگ همسر خود بیوه هستند بر کل افراد حداقل یک بار ازدواج کرده محاسبه شده است	

۱ سطح باروری در اغلب اوقات به عنوان تعیین‌کننده‌ی تعداد فرزندان هر خانوار به شمار می‌رود. با این حال، این رابطه مستقیماً برقرار نیست؛ اولاً؛ فرزندان زیر ۱۵ سال به عنوان فرزندان در نظر گرفته شده‌اند، در نتیجه؛ تنها باروری حال حاضر مدنظر نیست و باروری سال‌های قبل از سرشماری، تعداد فرزندان هر خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادامه جدول ۱: متغیرهای تحقیق و تعاریف عملیاتی آنها

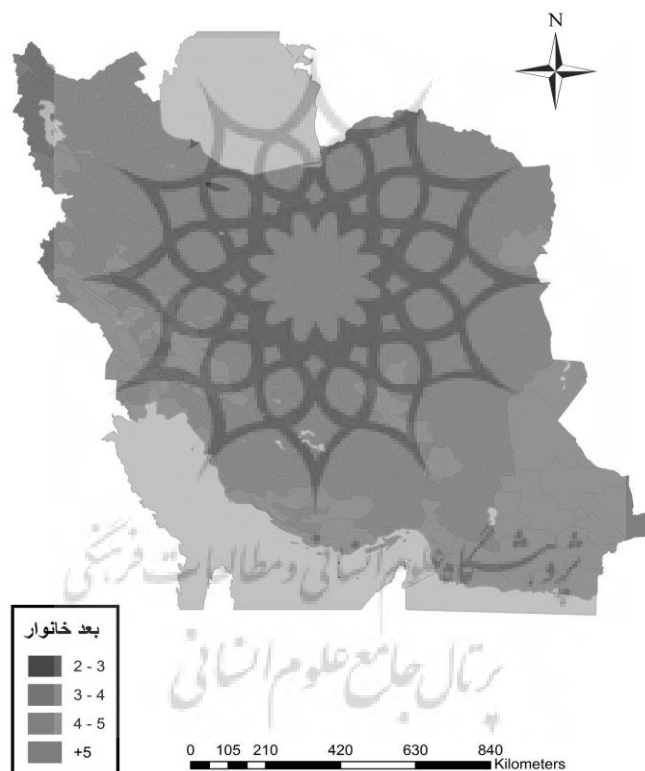
تحصیلات: سطح تحصیلات در چهار گروه ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و تحصیلات عالی تقسیم بندی شده‌اند.	زمینه‌ای
شهرنشینی: نسبت تعداد جمعیت ساکن در نقاط شهری به جمعیت کل	
استفاده از اینترنت: میزان نفوذ اینترنت از تقسیم تعداد افرادی که حداقل یک بار از اینترنت استفاده نموده‌اند بر جمعیت کل (۶ سال به بالا) محاسبه شده است.	
بیکاری جمعیت ۱۰ سال به بالا: میزان بیکاری از تقسیم جمعیت بیکار ۱۰ ساله و بیشتر بر کل جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر حاصل می‌شود.	
فعالیت اقتصادی: بخش عمده‌ی فعالیت که به صورت درصد افراد شاغل در بخش خدمات و صنعت مورد سنجش قرار گرفته است.	
اشتغال زنان: میزان اشتغال زنان که از تقسیم جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر زنان بر جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر حاصل می‌شود.	
مدرنیزاسیون: حاصل تحلیل عامل ($KMO=0,70$) متغیرهای تحصیلات، تحصیلات دانشگاهی، شهرنشینی، استفاده از اینترنت و صنعتی شدن (حاصل جمع بخش صنعت و خدمات) است.	

در این مطالعه برای تحلیل‌های دو متغیره از همبستگی r پیرسون استفاده شده است. تحلیل‌های چند متغیره از طریق رگرسیون خطی چند متغیره (OLS) با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است. دلیل انتخاب رگرسیون به سطح سنجش متغیرها بازمی‌گردد، که به صورت میزان و میانگین بوده و در سطح سنجش فاصله‌ای قرار می‌گیرد. سه متغیر مدرنیزاسیون، میزان اشتغال زنان و میزان بیکاری به عنوان متغیرهای زمینه‌ای برون زاد (متغیرهایی که تحت تأثیر هیچ متغیر دیگری در مدل نیستند) در نظر گرفته شده‌اند. برای انجام تحلیل مسیر از نرم افزار LISREL استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

۱. یافته‌های توصیفی

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود: میانگین بُعد خانوار حدود ۳/۷ است؛ بالاترین میانگین بُعد خانوار متعلق به شهرستان کنگان حدود ۶/۶ است. پایین‌ترین بُعد خانوار در کشور به شهرستان طالقان از استان تهران با میانگین ۲/۹ تعلق دارد.



شکل ۲- نقشه‌ی پراکندگی میانگین بُعد خانوار در شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۰

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای موجود در تحقیق

متغیر			میانگین	انحراف استاندارد	Min	Max
بلا فصل	میانگین بعد خانوار		۳/۷۱	۰/۴۴	۲/۹۴	۶/۶۵
	میانگین باروری برای ۱۵ سال		۲/۲۱	۰/۰۶	۱/۱۸	۵/۴۱
	میانگین سن ازدواج	مردان	۲۶/۲۷	۱/۳۷	۲۲/۱۸	۳۰/۰۴
		زنان	۲۳/۲۲	۱/۴۷	۱۸/۹۵	۲۷/۹۷
	بیوگی (درصد)	مردان	۱/۷۴	۰/۵۸	۰/۵۲	۴/۱۱
زنان		۱۰/۹۹	۱/۸۱	۶/۱۲	۱۶/۲۸	
بدون همسر در اثر طلاق (درصد)	مردان	۰/۸۳	۰/۳۳	۰/۱۷	۲/۲	
	زنان	۱/۳۹	۰/۵۵	۰/۳۴	۳/۷۲	
زمینه‌ای	تحصیلات ^۲		باسواد (کل) ^۱	۸۱	۶	۹۸
			ابتدایی	۲۴	۴	۱۱
			راهنمایی	۱۸	۲	۲۴
			متوسطه	۲۳	۴	۴۸
			عالی	۱۱	۵	۲۸
	درصد شهرنشینی		۵۴	۲/۲	۵	۹۸
	درصد استفاده از اینترنت		۱۱	۵/۳	۱	۳۱
	نرخ بیکاری		۱۴/۶	۸	۲/۲	۵۱
	بخش عمده‌ی فعالیت	صنعت	۲۷	۱/۷	۵	۶۶
		خدمات	۳۸	۱/۲	۷	۷۵
میزان اشتغال زنان (درصد)		۱۱	۲	۲/۴	۳۴	

در بررسی حاضر میانگین باروری کل، در ۱۵ سال منتهی به سرشماری ۱۳۹۰ به عنوان متغیر باروری مدنظر قرار گرفته است. میانگین باروری کل با استفاده از روش فرزندان خود محاسبه شده است (عباسی شوازی، حسینی چاوشی ۱۳۹۲). میانگین این متغیر ۲/۲ است. شهرستان طالقان با ۱/۲ دارای پایین‌ترین میزان باروری و شهرستان زابل در سیستان بلوچستان با میانگین ۵/۴ بالاترین میزان باروری را در میان شهرستان‌های ایران در ۱۵ منتهی به سرشماری

۱ عبارت است از نسبت تعداد افراد باسواد به جمعیت ۶ ساله و بیشتر (ضرب در ۱۰۰)، ۵ درصد با سوادها در سایر موارد تعریف شده بودند!
۲ ۱۹ درصد فاقد سواد عنوان شده بودند

۱۳۹۰ را تجربه نموده‌اند. میانگین باروری هر چه که از مرکز به سمت پیرامون حرکت می‌نمایم بیشتر می‌شود. این امر نشان دهنده‌ی این مسأله است که کاهش باروری تا حدود زیادی به توسعه وابسته است.

در بررسی حاضر، درصد افراد بیوه به عنوان متغیری که به مرگ‌ومیر و تا حدودی به ترتیبات زندگی اشاره دارد، وارد مدل شده است. درصد افراد بیوه، از تقسیم افرادی که به دلیل مرگ همسر خود بیوه هستند بر کل افراد حداقل یک‌بار ازدواج کرده محاسبه شده است. بالاترین درصد افراد بیوه به دلیل مرگ همسر در میان مردان به شهرستان طالقان از استان تهران متعلق است. ۴/۱ درصد از افراد حداقل یک بار ازدواج کرده بیوه هستند. کمترین مقدار افراد بیوه مرد در اثر مرگ همسر به شهرستان جم از استان بوشهر متعلق است. که تنها ۰/۵ درصد مردان حداقل یک بار ازدواج کرده بیوه در اثر مرگ همسر هستند. بالاترین این درصد در میان زنان متعلق به شهرستان تفرش از استان مرکزی است که رقم آن ۱۶/۳ درصد است. پایین‌ترین آن نیز به شهرستان جم از بوشهر با ۶/۱ درصد مربوط است.

در سرشماری ۱۳۹۰ در بین ۳۹۶ شهرستان میانگین درصد افراد بدون همسر در اثر طلاق در بین مردان حدود ۰/۷ و در بین زنان ۱/۴ است. این تفاوت، با فرهنگ ازدواج مجدد در ایران که در آن مردان بعد از طلاق شانس بیشتری برای ازدواج مجدد دارند، مرتبط است. بالاترین درصد افراد بدون همسر در اثر طلاق در بین مردان به استان تهران متعلق است (۲/۲) و پایین‌ترین آن به شهرستان گتوند از استان خوزستان تعلق دارد (۰/۱۷). در بین زنان نیز پایین‌ترین درصد افراد بدون همسر در اثر طلاق مربوط به شهرستان اندیکا از استان خوزستان است (۰/۳)؛ و بالاترین آن به استان تهران تعلق دارد (۳/۷).

میزان باسوادی در حالت کلی آن حدوداً ۸۱ درصد می‌باشد؛ که طیف آن از ۵۴ درصد در شهرستان سرباز سیستان و بلوچستان تا ۹۲ درصد در تهران متغیر است. افراد باسواد شامل: ۲۴ درصد ابتدایی، ۱۸ درصد راهنمایی، ۲۳ درصد متوسطه و ۱۱ درصد تحصیلات دانشگاهی است. ۵ درصد افراد دارای تحصیلات در "سایر موارد" تعریف شده بودند. در تحصیلات دانشگاهی شهرستان سرباز با ۱/۵ درصد در پایین‌ترین رتبه و تهران با ۲۸ درصد در بالاترین رتبه قرار

دارند. میانگین شهرنشینی در کشور ۵۴ درصد^۱ است؛ و طیف آن از ۵ درصد در شهرستان خدا آفرین در استان آذربایجان شرقی تا ۹۸ درصد در تهران متغیر است. میانگین استفاده از اینترنت، که به نوعی نشان‌دهنده ارتباط افراد با جهان اطرافشان است، حدوداً ۱۱ درصد است به این معنا که فقط ۱۱ نفر از ۱۰۰ نفر در یک سال حداقل یک بار از اینترنت استفاده نموده‌اند. بیشترین استفاده از اینترنت در تهران صورت می‌گیرد؛ در این شهرستان از هر ۱۰۰ نفر ۳۱ نفر حداقل یک بار از اینترنت در یک سال منتهی به سرشماری ۱۳۹۰ استفاده نموده‌اند. کمترین استفاده از اینترنت به شهرستان هیرمند از استان سیستان و بلوچستان متعلق است؛ که تنها یک درصد افراد در یک سال منتهی به سرشماری ۱۳۹۰ از اینترنت استفاده نموده‌اند. میزان بیکاری به طور میانگین ۱۴/۶۱ درصد است. کمترین میزان بیکاری در شهرستان سرایان از خراسان جنوبی (۲/۲ درصد) و بیشترین آن در شهرستان بشاگرد از استان هرمزگان (۵۱ درصد) وجود دارد.

بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، افراد در شهرستان‌های ایران، ۳۴/۷ درصد در بخش کشاورزی ۲۷/۱ درصد در بخش صنعت و ۳۸/۲ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند. میزان اشتغال زنان ۱۱ درصد است؛ به این معنا که از هر ۱۰۰ زن تنها ۱۱ نفر شاغل می‌باشند، با توجه به توانایی‌ها و تحصیلات زنان، میزان اشتغال زنان در سطح بسیار پایینی قرار دارد؛ طیف میزان اشتغال زنان از ۲/۴ درصد در شهرستان کنگان از استان بوشهر تا ۳۴ درصد در شهرستان هریس از استان آذربایجان شرقی متفاوت است.

۲. یافته‌های دو متغیره

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین میانگین باروری و بعد خانوار بیشترین رابطه معنادار (۰/۷) وجود دارد. جهت رابطه مثبت و رابطه قوی بین دو متغیر وجود دارد. میانگین سن ازدواج زنان نیز رابطه مثبتی با بعد خانوار دارد هرچند این رابطه قوی نیست (۰/۳). این رابطه نشان‌دهنده این مسأله است که با افزایش سن ازدواج دختران بعد خانوار افزایش می‌یابد. چراکه

۱ این رقم در سال ۱۳۹۰ از سوی مرکز آمار ایران ۷۱،۴ عنوان شده است. این تفاوت ارقام به نظر می‌رسد از ضرابی نشأت می‌گیرد که مرکز آمار ایران در محاسبه درصد شهرنشینی اعمال می‌کند.

غالباً خروج دختران از خانوار با ازدواج آنها مقارن است. میانگین سن ازدواج مردان رابطه‌ی معناداری با بعد خانوار ندارد.

جدول ۳- همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته (بعد خانوار) و متغیرهای مستقل

فاصله اطمینان (۰/۹۵)		معناداری	همبستگی پیرسون	متغیر	
Lower	Upper				
۰/۶۲	۰/۷۴	۰/۰۰	۰/۶۹	میانگین باروری برای ۱۵ سال	
-۰/۱۱	۰/۰۹	-۰/۹۸	-۰/۰۱	مردان	میانگین سن ازدواج
۰/۱۷	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۲۶	زنان	
-۰/۴۵	-۰/۲۸	۰/۰۰	-۰/۳۷	مردان	بیوگی
-۰/۱۷	۰/۰۵	۰/۱۹	-۰/۰۶	زنان	
-۰/۴۵	-۰/۲۸	۰/۰۰	-۰/۳۶	مردان	طلاق
-۰/۳۷	-۰/۱۷	۰/۰۰	-۰/۲۷	زنان	
-۰/۵۴	-۰/۳۸	۰/۰۰	-۰/۴۶	باسواد	تحصیلات
-۰/۳۹	-۰/۱۸	۰/۰۰	-۰/۲۹	متوسطه	
-۰/۴۶	-۰/۲۸	۰/۰۰	-۰/۳۸	عالی	
-۰/۳۳	-۰/۱۵	۰/۰۰	-۰/۲۵	شهرنشینی	
-۰/۵۴	-۰/۴۰	۰/۰۰	-۰/۴۶	استفاده از اینترنت	
-۰/۳۶	-۰/۵۱	۰/۰۰	۰/۴۳	نسبت بیکاری	
۰/۱۴	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۲۳	کشاورزی	بخش عمده‌ی فعالیت
-۰/۳۷	-۰/۱۹	۰/۰۰	-۰/۲۸	صنعت	
۰/۱۹	۰/۰۷	۰/۰۶	-۰/۰۹	خدمات	
-۰/۳۹	-۰/۲۱	۰/۰۰	-۰/۳۰	اشتغال زنان	

بیوگی مردان در اثر مرگ همسر ارتباط معناداری با بعد خانوار دارد (۰/۴-)، همان‌طور که از علامت منفی مشخص است جهت رابطه معکوس است: یعنی با افزایش بیوگی مردان در اثر مرگ همسر، بعد خانوار کاهش می‌یابد. بین بیوگی زنان در اثر مرگ همسر و بعد خانوار

رابطه‌ی معناداری وجود ندارد ($\text{sig}=0/19$). درصد افراد مطلقه در هر دو جنس تأثیر منفی بر بعد خانوار دارد؛ چراکه با افزایش درصد افراد مطلقه بر تعداد خانوارها افزوده می‌شود. همبستگی میانگین بعد خانوار و درصد مردان طلاق گرفته معادل $0/36-$ است که از رابطه معکوس بین درصد مردان طلاق گرفته و بعد خانوار حکایت دارد. در شهرستان‌هایی که درصد مردان طلاق گرفته بیشتر است، بعد خانوار کمتر است.

ضریب همبستگی بعد خانوار با درصد طلاق زنان معادل $0/27-$ است. تحصیلات رابطه‌ی معکوسی با بعد خانوار دارد ($0/46$). بخشی از آن به این دلیل است که باروری با افزایش تحصیلات کاهش می‌یابد. این رابطه در سطح تحصیلات دانشگاهی به قوت خود باقی است ($0/4-$). شهرنشینی ($0/3-$) و استفاده از اینترنت ($0/5-$) با بعد خانوار رابطه‌ی معکوسی دارد. بیکاری، بعد خانوار را افزایش می‌دهد با افزایش بیکاری در جامعه تعداد فرزندان (به خصوص در مورد فرزندان پسر) که برای کار از خانوار خارج می‌شوند، کمتر می‌شود ($0/4$).

بخش عمده فعالیت که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان موجبات تحول جوامع را فراهم می‌آورد، در ترکیب و پیچیدگی خانوار نیز مؤثر است. در جوامع کشاورزی که فرزند به عنوان یک نیروی کار، از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ در نتیجه، در این جوامع باروری بالا و بعد خانوار نیز بالاتر است. همان گونه که همبستگی بین دو متغیر نشان می‌دهد در جوامع‌ای که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی دارند؛ بعد خانوار بالاتر می‌رود ($0/2$). این در حالی است که با تغییر جوامع از کشاورزی به صنعت رابطه معکوس شده و بعد خانوار کاهش می‌یابد ($0/3-$). در رابطه با جوامع خدماتی این رابطه معنادار نیست ($\text{sig}=0/06$). میزان اشتغال زنان با بعد خانوار همبستگی معکوسی دارد، میزان اشتغال زنان به دلیل کاهش باروری در ایران و از سویی افزایش زنان مستقل بعد خانوار را کاهش می‌دهد ($0/3-$).

۳. مدل نهایی اثرات متغیرهای بلافصل و زمینه‌ای

جدول ۴ متغیرهای نهایی که بعد خانوار را تبیین می‌نمایند را به تصویر کشیده است. در مدل اول متغیرهای بلافصل وارد مدل شده اند، یافته‌ها نشان داد که بعد خانوار به صورت مستقیم با سطح باروری در ارتباط است. همان طور که در چارچوب نظری تحقیق مشخص شد (جیانگ و

اونیل ۲۰۰۷، بونگارت ۲۰۰۲، کوزنتس (۱۹۷۸) انتظار می‌رود که باروری نقش اساسی در بعد خانوار داشته باشد؛ چراکه باروری بالا، کودکان زنده بیشتری را برای خانوارها در پی خواهد داشت، که موجبات افزایش بعد خانوار را فراهم می‌آورد. میانگین باروری بیش‌ترین رابطه مستقیم را با بعد خانوار دارد؛ و بتای آن نشان‌دهنده‌ی این مسأله است (۰/۶). فرضیه مقاله در مورد رابطه‌ی میانگین باروری و بعد خانوار مورد تایید قرار می‌گیرد.

بین میانگین بعد خانوار و میانگین سن ازدواج دختران همبستگی مستقیم وجود دارد. با افزایش سن ازدواج اقامت افراد بزرگ‌سال با والدین بیشتر شده و باعث افزایش بعد خانوار می‌گردد؛ درواقع با افزایش سن ازدواج تعداد افراد بزرگ‌سال در خانوار افزایش می‌یابد. (بورچ ۱۹۷۰، بونگارت ۲۰۰۲). ۱۱ درصد از تغییرات واریانس بعد خانوار در مدل اول را میانگین سن ازدواج تبیین می‌نماید؛ که فرضیه مقاله را مورد تایید قرار می‌دهد.

تحقیقاتی که در رابطه با افزایش تعداد مردان سالمند مجرد صورت گرفته بود، همبستگی معکوس بین بعد خانوار و بیوگی مردان را تأیید کردند (کوربین ۱۹۷۳)، مردان علیرغم تفکرات غالبی که وجود دارد، خصوصاً در سنین سالمندی بیشتر به صورت تنها و در قالب خانوارهای تک نفر زندگی می‌کنند. بیوگی زنان از نظر آماری معنادار نبود و معادل صفر در نظر گرفته شد، و فرضیه مورد نظر مورد تایید قرار نگرفت. ولی بیوگی مردان تأثیر معناداری در کاهش بعد خانوار شهرستان‌ها داشته است (۰/۵-). در مجموع متغیرهای بلافصل که شامل میانگین باروری، میانگین سن ازدواج و بیوگی مردان را شامل می‌شد؛ ۷۳ درصد از واریانس متغیر بعد خانوار را تبیین می‌نمایند. مدل یک، متغیرهایی مانند طلاق و سن ازدواج مردان و بیوگی زنان که تأثیر معناداری بر بعد خانوار نداشته‌اند را نمایش نمی‌دهد.

در مدل دوم با افزوده شدن متغیرهای تحصیلات، استفاده از اینترنت و صنعتی شدن (دیگر متغیرها به دلیل بی‌معنا بودن T از مدل حذف شده‌اند) مقدار R^2 به میزان ۰/۰۶ افزایش می‌یابد؛ و مدل معنادار است. در این مدل متغیر استفاده از اینترنت با توجه به T به دست آمده معنادار نیست. این امر نشان‌دهنده‌ی این مسأله است که اثر مستقیم این متغیر با افزوده شدن متغیرهای

بلافاصل از بین رفته است و به نوعی این متغیر اثر خود را از طریق متغیرهای بلافاصل اعمال می‌کرده است.

دسته دوم از متغیرهای زمینه‌ای که شامل نرخ بیکاری و میزان اشتغال زنان می‌شود در مدل ۳ افزوده شده است. با افزوده شدن این دو متغیر R^2 به میزان ناچیزی (۰/۰۱) اما معناداری، افزوده شده است. متغیر میزان اشتغال زنان از نظر آماری و با توجه به T به دست آمده معنادار نیست و میزان اشتغال زنان به طور مستقیم نقشی در تعیین بعد خانوار ندارد. در مجموع مدل نهایی رگرسیونی (شامل متغیرهای میانگین باروری، میانگین سن ازدواج زنان، بیوگی مردان، تحصیلات، صنعتی شدن و نرخ بیکاری) ۸۱ درصد از واریانس متغیر بعد خانوار را تبیین می‌کند.

همچنان که در شکل ۲ دیده می‌شود، نتایج تحلیل مسیر حکایت از آن دارد که، بیش‌ترین تأثیر مستقیم از جانب میانگین باروری و میانگین سن ازدواج، به ترتیب با ضرایب مسیر ۰/۶ و ۰/۳ اعمال می‌شود. مردانی بیوه در اثر مرگ همسر با ۰/۳- نیز در مکان سوم تعیین‌کننده‌های مستقیم واریانس بعد خانوار قرار دارد. شاخص مدرنیزاسیون با ۰/۱۳- در کاهش بعد خانوارها نقشی مهمی داشته است. شاخص میزان اشتغال زنان با ۰/۱- تأثیر منفی بر بعد خانوار شهرستان‌ها داشته است این امر می‌تواند، از قدرت زنان در داشتن خانوار مستقل حکایت نماید. هر چه زنان از نظر اقتصادی مستقل باشند، احتمال اینکه در خانوارهای مستقل زندگی کنند، بیشتر است. ناگفته پیداست که هر کدام از این متغیرهای پیش‌گفته به طرق مختلف و با مسیرهای متفاوت و متعددی تأثیر غیرمستقیم خود را بر متغیر وابسته دارند.

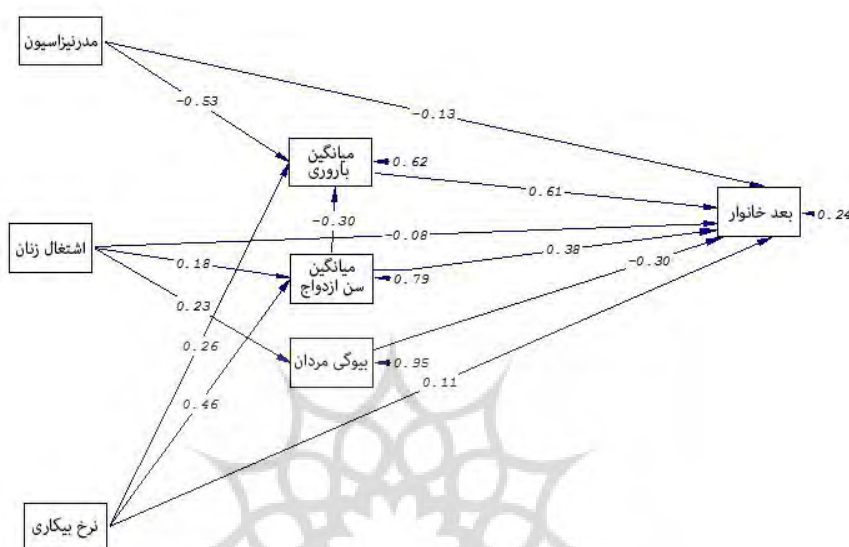
جدول ۴: مدل نهایی رگرسیون اثرات متغیرهای بلافصل و زمینه‌ای بر بعد خانوار در ۳۹۶ شهرستان ایران

		مدل ۳				مدل ۲				مدل ۱				
		T	β	SE	B	T	β	SE	B	T	β	SE	B	
	R ² (تغییرات R ²)													۰/۷۳
	معناداری مدل F (تغییرات F)													۳۵۶
	ضریب ثابت													۰/۵۵
	عوامل بلافصل													۰/۶۱**
	میانگین باروری برای ۱۵ سال	۲۱/۲۸**	۰/۶۲	۰/۰۳	۰/۵۲	۲۲/۲۵	۰/۶۵	۰/۰۳	۰/۵۵**	۲۶/۸۳	۰/۷۲	۰/۰۲	۰/۶۱**	میانگین سن ازدواج (زنان)
	بیوگی (مردان)	۱۲/۵**	۰/۳۶	۰/۰۱	۰/۰۹	۱۶/۸۰	۰/۴۲	۰/۰۱	۰/۱۱**	۱۶/۴۰	۰/۴۴	۰/۰۱	۰/۱۱**	
	عوامل زمینه‌ای													
	تحصیلات	-۱۱/۱۹**	-۰/۳۰	۰/۰۵	-۰/۵۳	-۱۲/۶۳	-۰/۳۲	۰/۰۵	-۰/۵۷**	-۲۹/۱۱	-۰/۳۰	۰/۰۵	-۰/۵۳**	تحت‌مجموعه
	استفاده از اینترنت	-۷/۱۷**	-۰/۳۲	۰/۳۵	-۲/۴۹	-۶/۶۵	-۰/۳۰	۰/۳۵	-۲/۳۳**					
	صنعتی شدن	-۱/۱	-۰/۰۵	۰/۳	-۰/۳۱	-۱/۹**	-۰/۰۸	۰/۳۰	-۰/۵۶					
	درصد بیکاری	۷/۰۹**	۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۵۱	۷/۷۶	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۵۵**					
	اشتغال زنان	۳/۷۵**	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۴۲									
		-۰/۸۳	-۰/۰۲	۰/۱۳	-۰/۲۶									

۳۹۶N=

**significant at 0.5 level

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳: نمودار تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر بعد خانوار

همان‌گونه تحلیل مسیر نشان می‌دهد، میانگین باروری و بیوگی مردان تأثیر غیر مستقیمی بر بعد خانوار ندارند. تأثیر غیرمستقیم میانگین سن ازدواج زنان بر متغیر وابسته از مسیر تأثیری که بر باروری دارد، اعمال می‌گردد. میانگین سن ازدواج زنان یکی از عوامل تعیین کننده باروری است. هرچند در اینجا میانگین سن ازدواج مقطعی بوده و باروری میانگین ۱۵ سال گذشته را شامل می‌شود. با این حال، تأثیر منفی خود را بر باروری اعمال نموده است. بدین معنا که با افزایش سن ازدواج، باروری کاهش می‌یابد.

نظریه‌های مربوط به کارکردگرایی و مدرنیزاسیون اساساً بعد خانوار و عوامل بلافصل مربوط به آن را با تغییر کارکرد جوامع و نوع اقتصاد در ارتباط می‌دانند (شیوا مدجاک، ورث ۱۹۳۸، برنارد و سیمونس ۱۹۷۹، پارسونز و بالیز ۱۹۹۸، سرایی ۱۳۸۷، گود ۱۹۶۳). طبق نظریه همگرایی^۱، به میزانی که جوامع به سمت صنعتی شدن و شهرنشینی پیش می‌روند، خانوارها به

1 convergence

سمت هسته‌ای شدن و کوچک شدن در حال حرکت‌اند. طبق نتایج به دست آمده این نظریه در مورد شهرستان‌های ایران تا حدودی صادق است؛ چراکه با افزایش مدرنیزاسیون در شهرستان‌های ایران بعد خانوار سیر نزولی داشته است. مدرنیزاسیون بر میانگین باروری نیز تأثیر منفی اعمال نموده است. بدین صورت که، در شهرستان‌هایی که مدرنیزاسیون بالاتر بوده باروری کمتری داشته‌اند. مدرنیزاسیون از طریق باروری تأثیر معکوسی بر بعد خانوار داشته و با افزایش آن بعد خانوار شهرستان‌های دارای نمادهای مدرنیزاسیون، بعد خانوار کاهش داشته است. مدرنیزاسیون بر میانگین باروری تأثیر منفی اعمال نموده است.

میزان اشتغال زنان تأثیرات منفی بر باروری و سن ازدواج داشته است. هرچند تصمیم‌گیری با توجه به نوع داده‌ها بسیار دشوار است. با این حال، در شهرستان‌هایی که میزان اشتغال زنان بیشتر است، میانگین سن ازدواج بالاتر، باروری پایین‌تر و بعد خانوار کمتر بوده است. در شهرستان‌هایی که نرخ میزان اشتغال زنان بالاتر است، بیوگی مردان (سایر بیوگی‌ها به دلیل بی‌معنا بودن T در مدل وارد نشده‌اند) نیز بالاتر است. با افزایش اشتغال و امنیت اقتصادی زنان میزان بیوگی مردان (شانس ازدواج) کاهش یافته است.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، در شهرستان‌هایی که نرخ بیکاری بالاتر بوده بعد خانوار نیز بالاتر است؛ که این امر می‌تواند از میزان افراد بزرگسال، به خصوص پسران، در خانوارها حکایت داشته باشد. در شهرستان‌هایی که نرخ بیکاری بالاتر است، میانگین سن ازدواج بالاتر و از این طریق نقش افزایشی در بعد خانوار داشته و از سویی از طریق باروری نقش معکوسی در کاهش بعد خانوار داشته است. مسیرهایی که از نظر آماری غیر معنادار بودند از مدل حذف شده‌اند. به عنوان مثال، علی‌رغم نظریه‌های موجود میزان اشتغال زنان تأثیر معناداری در باروری شهرستان‌ها نداشته است. این امر می‌تواند به نوع داده‌های باروری مرتبط باشد چراکه این داده‌ها به ۱۵ سال قبل از سرشماری مربوط می‌شوند. در کل مدل تحلیل مسیر ۸۳ درصد از واریانس متغیر بعد خانوار را تبیین می‌کند. هرچند مقدار خطای باقی‌مانده برای متغیر خانوار بیش از این مقدار را نشان می‌دهد که درصدی از آن به اثر کاذب متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بازمی‌گردد.

در جدول ۵ ماتریس تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آورده شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود میانگین باروری و بیوگی مردان تأثیر غیر مستقیمی بر بعد خانوار ندارند. تأثیر غیرمستقیم میانگین سن ازدواج زنان بر متغیر وابسته از مسیر تأثیری که بر باروری دارد، اعمال می‌گردد. میانگین سن ازدواج زنان یکی از عوامل تعیین‌کننده باروری است. هرچند در اینجا میانگین سن ازدواج مقطعی بوده و باروری میانگین ۱۵ سال گذشته را شامل می‌شود. با این حال، تأثیر منفی خود را بر باروری اعمال نموده است؛ بدین معنا که با افزایش سن ازدواج باروری کاهش می‌یابد.

جدول ۵: ماتریس اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر بعد خانوار

متغیر مستقل	همبستگی مرتبه‌ی صفر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	مجذور اثر کل
میانگین باروری	۰/۶۹	۰/۶۱		۰/۶۱	۰/۳۷
میانگین سن ازدواج دختران	۰/۲۷	۰/۳۸	-۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۰۴
مردان بیوه ^۱ در اثر مرگ همسر	-۰/۳۷	-۰/۳۰		-۰/۳۰	۰/۰۹
مدرنیزاسیون	-۰/۴۲	-۰/۱۳	-۰/۳۰	-۰/۴۳	۰/۱۹
اشتغال زنان	-۰/۲۷	-۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۱۱	۰/۰۱
بیکاری	۰/۴۴	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۱۳
کل					۰/۸۳

از این منظر میانگین سن ازدواج تأثیر منفی (۰/۱۸-) بر بعد خانوار دارد. بدین معنا که با افزایش میانگین سن ازدواج از میزان باروری کاسته شده که این مسأله موجبات کاهش بعد خانوار را فراهم می‌آورد. اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم متغیرهای بلافصل و زمینه‌ای در جدول ۱۵ آورده شده، نشان دهنده‌ی این مسأله است؛ که اثر خالص میانگین سن ازدواج زنان ۰/۲۰ است که بخش از اثر این متغیر توسط کاهش باروری از میان می‌رود.

مدرنیزاسیون بر میانگین باروری تأثیر منفی اعمال نموده است. شهرستان‌هایی که مدرنیزاسیون بالاتر بوده باروری کمتری داشته‌اند. مدرنیزاسیون از طریق باروری تأثیر معکوسی بر بعد خانوار

داشته و با افزایش آن، بعد خانوار در کاهش داشته است. مدرنیزاسیون به صورت غیرمستقیم ۰/۳۰- بر بعد خانوار تأثیر داشته است. در شهرستان‌هایی که نرخ اشتغال زنان بالاتر است، بیوگی مردان (سایر بیوگی‌ها به دلیل بی‌معنا بودن T در مدل وارد نشده‌اند) نیز بالاتر است. با افزایش اشتغال و امنیت اقتصادی زنان میزان بیوگی مردان (شانس ازدواج) کاهش یافته است.

در ارزیابی برازش مدل X^2 معادل ۱۸/۳۲ است که ناشی از برازش خوب مدل با توجه به df به دست آمده است. X^2/df معادل ۱/۸ است که نشان دهنده‌ی برازش خوب نسبت به مدل استاندارد است. NFI نیز نشان دهنده برازش مدل است معادل ۰/۹۶ است که از یک برازش خوب حکایت دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

بعد و ترکیب خانوار بعد از انقلاب اسلامی تغییر بسیاری نموده است. این کاهش در نتیجه‌ی ادامه روند کاهش باروری و شکاف در خانوارها ایجاد شده است. در این تغییر و تحولات خانواده ارزش خود را به عنوان یک نهاد قدرتمند از دست نداده است. هرچند روند چرخه‌ی زندگی سنتی تا حدودی رنگ باخته، سن ازدواج بالاتر رفته، طلاق قبیح گذشته را از دست داده و نرخ ازدواج مجدد کاهش یافته است. این تغییرات اجتماعی نشان دهنده‌ی تغییرات گسترده در متغیرهای تعیین‌کننده‌ی بعد خانوار است.

بعد خانوار از سال ۱۳۶۵ تقریباً ۱/۵ واحد کاهش داشته و از ۵/۱ نفر در هر خانوار به ۳/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. هدف اصلی این تحقیق در مرحله اول طراحی مدل‌های تعیین‌کننده‌ی بعد خانوار در ایران و در مرحله دوم کمی نمودن این روابط با استفاده از تحلیل مسیر است؛ در راستای تحقق این اهداف از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استفاده شده است.

یافته‌ها نشان داد که در ۳۹۶ شهرستان حاضر در این تحقیق میانگین بعد خانوار حدوداً شامل ۳/۷ عضو است؛ که با توجه به تفاوت‌های موجود در جنبه‌های جمعیت‌شناختی (باروری، میانگین سن ازدواج، مرگ‌ومیر) و سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تفاوت‌هایی در بعد خانوار در سطح شهرستان مشاهده شد. گستره‌ی تفاوت‌های شهرستانی بعد خانوار با توجه

به سطح توسعه شهرستان‌ها از ۲/۹ در شهرستان طالقان تا ۶/۷ در شهرستان کنگان در بوشهر متغیر بوده است. مابقی شهرستان‌ها که دارای بعد خانوار بالایی هستند، عمدتاً زیر ۵ نفر را شامل می‌شوند. براساس یافته‌های تحقیق، از جمله متغیرهای بلافصل که رابطه‌ی معناداری با میانگین بعد خانوار داشتند عبارتند از: میزان باروری، میانگین سن ازدواج دختران و درصد مردان بیوه تفاوت‌های موجود در بعد خانوار را در بین شهرستان‌ها تبیین می‌نمایند.

تفاوت‌های شهرستانی بعد خانوار بیش‌ترین رابطه مستقیم را با میانگین باروری دارد. میانگین سن ازدواج دختران علاوه بر تاثیر مستقیم بر بعد خانوار، تاثیر غیرمستقیمی نیز بر آن دارد. تاثیر غیرمستقیم میانگین سن ازدواج زنان بر متغیر وابسته از مسیر تأثیری که بر باروری دارد، اعمال می‌گردد. میانگین بعد خانوار در این مطالعه همبستگی معکوس با درصد مردان بیوه، مدرنیزاسیون و اشتغال زنان داشته است. با این حال، میانگین بعد خانوار و نرخ بیکاری همبستگی مستقیم داشتند؛ به این معنا که، بیکاری بالاتر با بعد خانوار بیشتر همراه بوده است.

به طور خلاصه، میانگین بعد خانوار تحت تاثیر چندین متغیر قرار دارد. از آنجا که در جمعیت‌شناسی معاصر توجه از فرد به سمت خانوار سوق یافته است؛ بنابراین، مشخص کردن این عوامل می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مربوط به خانوار بسیار مفید باشد. در بررسی تعیین‌کننده‌های بعد خانوار، مطالعه حاضر، امکان بررسی بسیاری از متغیرها وجود نداشت؛ برای مثال، مطالعات آینده می‌توانند بر نقش سایر عوامل مانند تغییر در ترتیبات زندگی و فردگرایی تمرکز کرده و نقش آنها را در تغییرات بعد خانوار مورد بررسی قرار دهند. از سویی دیگر، تغییرات در میانگین بعد خانوار علاوه بر اینکه خود تحت تاثیر چندین متغیر است، می‌تواند به عنوان متغیر مستقل، نه تنها الگوهای مصرف را تغییر دهد؛ بلکه موجبات تغییرات محیطی را نیز فراهم آورد. تأثیرات زیست‌محیطی، استفاده از زمین، مصرف سوخت، تولید دی‌اکسید کربن، حمل‌ونقل و مصرف آب از تأثیرات احتمالی تغییرات بعد خانوار خواهد بود، که به عنوان پیشنهادهایی برای تحقیق‌های بعدی می‌تواند مفید باشد.

منابع

- 0 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- 0 استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی* (ترجمه مهرداد میردامادی) تهران: نشرمرکز.
- 0 سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۷۹-۱۳۹۰). پایگاه اطلاعات جمعیتی، قابل دسترس در: www.sabteahval.ir.
- 0 ترابی، فاطمه و عباس، عسکری‌ندوشن (۱۳۹۱). بویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران* ۱۳ (۷): ۵-۲۳.
- 0 سربایی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. دوره ۱، شماره ۲، صص: ۶۰-۳۷.
- 0 عباسی‌شوازی، محمد جلال و حسینی‌چاوشی، میمنت (۱۳۹۲). تحولات باروری در ایران در چهار دهه‌ی اخیر: کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰. تهران: پژوهشکده آمار.
- 0 میرزایی، محمد (۱۳۸۱). *گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی*، تهران: دانشگاه تهران.
- 0 مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترس در: www.amar.org.ir.
- 0 Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal; McDonald, Peter. (2006). "The fertility decline in the Islamic Republic of Iran 1972-2000." *Asian Population Studies* 2 (3): 217-237.
- 0 Aghajanian, Akbar, and Vaida Thompson. (2013). "Recent Divorce Trend in Iran." *Journal of Divorce & Remarriage*, 54 (2): 112-125.
- 0 Bernard C. Rosen and Alan B. Simmons Source. (1971). "Industrialization, Family and Fertility: A Structural-Psychological Analysis of the Brazilian case." *Demography* 8 (1): 49-69.
- 0 Bongaarts, John. (2001). "Household Size and Composition in the Developing World in the 1990s." *Population Studies* 55 (3): 263-279.
- 0 Bongaarts, John. (1983). "The formal demography of families and households: An overview." *IUSSP Newsletter* 17: 27-42.
- 0 Bradbury, Mason; Peterson, M. Nils; Liu, Jianguo. (2014). "Long-term dynamics of household size and their environmental implications." *Population and Environment* 36 (1): 73-84.
- 0 Chevan, Albert; Korson, J. Henry. (1975). "Living arrangements of widows in the United States and Israel, 1960 and 1961." *Demography* 12 (3): 505-518.
- 0 Chevan, Albert; Korson, J. Henry. (1972). "The widowed who live alone: an examination of social and demographic factors." *Social Forces* 51 (1): 45-53.

- 0 Donald P, McDonald P. (1994). "Families in developing countries: Idealized morality in the Asian family." *Transition and change in the Asian family*. Honolulu: East-West Center: Cho L, Moto Y, Eds. 19-28.
- 0 Goode, William J. (1963). *World revolution and family patterns*. New York, Columbia University: Free Press.
- 0 Jiang, Leiwen; O'Neill, Brian C. (2007). "Impacts of Demographic Trends on US Household Size and Structure." *Population and Development Review* (Population Council) 33 (3): 567-591.
- 0 Kobrin, Frances E. (1973). "Household headship and its changes in the united states, 1940-1960, 1970." *Journal of the American Statistical Association* 68 (334): 793-800.
- 0 Kuznets, Simon. (1978). "Size and Age Structure of Family Households: Exploratory Comparisons." *Population and Development Review* 187-223.
- 0 Lesthaeghe, Ron. (1995). "The second demographic transition in Western countries: An interpretation." *Gender and family change in industrialized countries* 17-62.
- 0 Medjuck, Sheva . (1979). "Family and Household Composition in the Nineteenth Century: The Case of Moncton, New Brunswick 1851 to 1871." *The Canadian Journal of Sociology* 4 (3): 275-286.
- 0 Talcott, Parsons, and Robert F Bales. (1998). *Family socialization and interaction process*. Vol. 7. Psychology Press.
- 0 Torabi, Fatemeh; Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal; Askari-Nodoushan, Abbas;. (2015). "Trends in and patterns of solo living in Iran: an exploratory analysis." *Journal of Population Research* 243-261.
- 0 Torabi, Fatemeh; Baschieri, Angela ; Clarke, Lynda ; Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal. (2012). "Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-economic and Cultural Change in Time and Space." *Population, Space and Place* 19 (3): 258-274.
- 0 Wirth, Louis. (1938). "Urbanism as a Way of Life." *American Journal of Sociology* 44 (1): 1-24.
- 0 Yu, Eunice; Liu, Jianguo;. (2007). "Environmental impacts of divorce." *Proceedings of the National Academy of Sciences* 104 (51): 20629-20634.
- 0 Zeng, Yi, Kenneth C Land, Zhenglian Wang, and Danan Gu. (2006). "US family household momentum and dynamics: an extension and application of the ProFamy method." *Population Research and Policy Review* 25 (1): 1-41.